



## جبر و اختیار از منظر متون اسلامی: رویکردی به تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا

دکتر رحمت‌اله مرزوقی<sup>۱</sup>، نیره حسینی<sup>۲</sup>

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، rmarzoghi@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز، hosseininayyereh@gmail.com

### چکیده

از منظر متون اسلامی، انسان موجودی است که از سرمایه الهی اختیار برخوردار است. لذا تربیت بایستی بکارگیری این سرمایه الهی را در جهت متعالی شدن انسان میسر سازد. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف ارائه چارچوبی برای تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا انجام شده است. در این راستا تلاش شده تا ضمن بررسی مقوله جبر و اختیار از دیدگاه متون اسلامی، دلالت‌های تربیتی آن استخراج و استنباط شود و در نهایت، چارچوبی برای تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا ارائه گردد. یافته‌ها مؤید آن است که انسان از سرمایه الهی اختیار برخوردار است و اساساً ارزش وجودی او به آن است که مختارانه راه تعالی و کمال را برگزیند. بر همین اساس، چارچوب ارائه شده در مقاله حاضر در هشت بُعد مشتمل بر: آرمان تعلیم و تربیت، اهداف کلی، محتوای تربیت، ویژگی‌های محتوا، نقش و ویژگی‌های مربی، نقش و ویژگی‌های متربی، روش‌های تربیت و محیط تربیت به گونه‌ای تنظیم و تبیین شده است که کمک نماید تا متربی مختارانه و به دور از هر گونه اکراه و اجبار، در راستای تعالی الهی گام بردارد.

### واژه‌های کلیدی

تربیت اختیارگرا، مربی، متربی، تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا

### مقدمه

مقوله جبر و اختیار همواره در تاریخ زندگانی بشر به عنوان یک سؤال مهم و اساسی مطرح بوده است. پرسش اساسی در این باره آن است که آیا انسان موجودی مختار است یا مجبور؟ بررسی و تتبع در آیات قرآن کریم در خصوص اختیار نشان می‌دهد که این شواهد آیاتی را می‌توان در سه دسته به صورت زیر تقسیم‌بندی نمود. دسته نخست آیاتی که به ظاهر اختیار انسان را نفی کرده و بر جبر تأکید می‌ورزند. گروهی از افراد نیز با استناد به همین دسته از آیات، معتقدند انسان در اعمال و افعال خود و تعیین سرنوشت خویش، آزادی و اختیار ندارد و همه پدیده‌های جهان هستی و از جمله افعال انسان همواره طبق یک برنامه و طرح از پیش تعیین شده که خدا آن را مقدر کرده، پیش می‌رود. به عبارت دیگر، اراده آدمی در تقدیر و سرنوشت او هیچ نقشی ندارد (بقره/ ۲۵۳، یونس/ ۴۹، اعراف/ ۱۸۸، یونس/ ۱۰۰، مائده/ ۴۱، انعام/ ۱۱۱، فاطر/ ۸ و ...).

دسته دیگری از آیات قرآن کریم به روشنی به اختیار انسان اشاره دارند و گروهی از افراد با استناد به این آیات، بر آن عقیده‌اند که انسان در همه افعالش به طور مطلق - و نه در دایره مشیت و اراده الهی - دارای اختیار است. فعل، آفریده شخص انسان است و خداوند در آن هیچ نقشی ندارد؛ گویی او آفرینش افعال را به انسان تفویض کرده است و او بر همه جوانب و شرایط مرتبط با فعل خویش مسلط است (بقره/ ۲۵۶، واقعه/ ۲۴، انسان/ ۳، کهف/ ۲۹، طور/ ۲۱ و ...). و دسته سوم از آیات مربوط به اختیار در قرآن کریم، آیاتی هستند که بر اختیار و آزادی انسان تأکید کرده‌اند اما یادآور شده‌اند که اختیار و آزادی انسان در چارچوب قضا و قدر و مشیت و اراده الهی قرار دارد (اسراء/ ۲۰-۱۸، دهر/ ۳۰، تکوین/ ۲۹، لیل/ ۱۰-۵، توبه/ ۵۱، کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۷۶-۷۵).

با در نظر گرفتن مجموع آیات قرآن در خصوص اختیار در کنار یکدیگر و نیز بر اساس آموزه‌های ائمه اطهار (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۷۶-۷۵)، اعتقاد به جبر یا اختیار مطلق، هیچکدام صحیح نمی‌باشند. زیرا اعتقاد به جبر با اصول مسلم دین چون اصل بعثت پیامبران، تکلیف انسان‌ها و قانون پاداش و کیفر هرگز سازگار نیست و روح تحرک و مسئولیت را در انسان می‌میراند. اعتقاد به تفویض (اختیار مطلق) نیز با توحید در خالقیت و اعتقاد به قضا و قدر الهی و عمومیت و گستردگی مشیت و اراده مطلق الهی که از اصول مسلم جهان بینی اسلامی به شمار می‌رود، همخوانی ندارد.

در حقیقت، از منظر متون اسلامی، انسان، موجودی صاحب اختیار و حریت است، مختاریتی که در چارچوب قضا و قدر و مشیت الهی قابل اعمال می‌باشد. بدین معنا که دامنه اختیار انسان هم به قضا یعنی آغاز و پایان و محدوده عمر و زندگی و هم به قدر یعنی ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و امکانات آدمی مربوط و محدود است. بنابراین انسان بازیگری آزاد، مختار و مسئول، اما در ذیل و در چارچوب و میدان قضا و قدر الهی است. از این منظر باید آدمی را با الگوی تعلیم و تربیت اختیارگرا نگریم و طرحی برای تعالی و تربیت وی به عنوان موجودی که از سرمایه‌ای به نام اختیار در میدان قضا و قدر الهی برخوردار می‌باشد، طراحی نمود. در مدل تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا، بایستی به پرورش نیروی اختیار و تحکیم و توسعه آن پرداخت تا آدمی بتواند توانمندتر، آگاهانه‌تر و عالمانه‌تر از سرمایه